

به نام خدا

# روشهای تدریس و مباحث آموزشی

مولفان :

فرزانه حیدری

سعید مرادی

داریوش گودرزی

فاطمه دانایی فرد

یلدا خنجری

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

عنوان و نام پدیدآور: روش‌های تدریس و مباحث آموزشی / مولفان فرزانه حیدری... [و دیگران].  
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع‌رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.  
مشخصات ظاهری: ۱۰۷ص.  
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۲۵۲-۸  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
یادداشت: مولفان فرزانه حیدری، سعید مرادی، داریوش گودرزی، فاطمه دانایی‌فرد، یلدا خنجری.  
یادداشت: کتابنامه: ص. ۹۷-۱۰۷.  
موضوع: تدریس اثربخش  
معلمان -- اثر بخشی  
شناسه افزوده: حیدری، فرزانه، ۱۳۷۴-  
رده بندی کنگره: LB۱۰۲۵/۳  
رده بندی دیویی: ۳۷۱/۱۰۲  
شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۴۰۵۰۰  
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

Effective teaching

Teacher effectiveness

نام کتاب: روش‌های تدریس و مباحث آموزشی  
مولفان: فرزانه حیدری - سعید مرادی - داریوش گودرزی  
فاطمه دانایی‌فرد - یلدا خنجری  
ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع‌رسانی چاپ و نشر ایران)  
صفحه‌آرایی، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر  
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد  
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲  
چاپ: زبرجد  
قیمت: ۸۶۰۰۰ تومان  
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:  
<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۲۵۲-۸

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

[www.chaponashr.ir](http://www.chaponashr.ir)



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵.....	مقدمه.....
۹.....	فصل اول:-.....
۹.....	مبانی و کلیات تدریس.....
۹.....	مقدمه.....
۱۰.....	نگاه صاحب نظران و مفهوم تدریس.....
۱۴.....	سازماندهی فعالیت های فرایند یاددهی و یادگیری.....
۱۶.....	عوامل مؤثر بر تدریس.....
۱۸.....	رابطه تدریس و یادگیری.....
۲۳.....	یادگیری و تدریس.....
۲۷.....	فصل دوم:-.....
۲۷.....	روش های تدریس.....
۲۷.....	الگوها و طبقه بندی های ارائه شده از تدریس توسط صاحب نظران.....
۲۸.....	خانواده الگوهای اجتماعی.....
۲۹.....	خانواده الگوهای اطلاعات پردازشی.....
۲۹.....	خانواده الگوهای انفرادی.....
۳۰.....	خانواده الگوهای رفتاری.....
۳۶.....	.....
۴۰.....	.....

۴۱.....	فصل سوم:.....
۴۱.....	مبانی تدریس معلمان.....
۴۱.....	نقش و جایگاه معلم در در نظام های آموزشی .....
۴۶.....	ویژگی های یک تدریس اثر بخش برای معلمان .....
۵۰.....	مفهوم تدریس فعال و لزوم استفاده معلمان از روش های تدریس فعال .....
۵۰.....	مفهوم تدریس فعال .....
۵۳.....	لزوم استفاده معلمان از روش های تدریس فعال .....
۵۷.....	رهنمود های لازم برای معلمان جهت انجام یک تدریس اثربخش .....
۵۹.....	فصل چهارم:.....
۵۹.....	تدریس اثربخش.....
۵۹.....	نظریه های تدریس .....
۶۱.....	مولفه های تدریس اثربخش .....
۶۳.....	رابطه بین انجام تدریس اثربخش توسط استادان با هوش هیجانی .....
۶۸.....	تدریس و ضرورت هوش هیجانی بالا.....
۷۱.....	تاثیر تدریس اثربخش .....
۷۶.....	رابطه بین سبک های تدریس و سبک های یادگیری فراگیران .....
۷۹.....	فصل پنجم:.....
۷۹.....	پژوهش های حوزه تدریس.....
۸۰.....	تشریح پژوهش های انجام شده در ارتباط با هر یک از زمینه ها: .....
۹۷.....	منابع.....

## مقدمه

---

آرزوی دیرینه هر جامعه ای پیشرفت و تعالی افراد آن جامعه و داشتن شهروندانی فرهیخته و اندیشمند است و بدیهی است که هر پیشرفتی در زمینه های مختلف از جمله فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، مستلزم داشتن افرادی متفکر، خلاق و منتقد است تا بتوانند تصمیمات درست را اتخاذ نمایند و برنامه ریزی صحیحی داشته باشند که این امر وابسته به وجود نظام های آموزشی فعال و پویاست. لذا به جرأت می توان گفت که هر پیشرفتی در جامعه، از نظام های آموزشی کارآمد و اثربخش نشأت می گیرد و این منوط به عوامل متعددی از جمله آگاهی معلمان و استادان دانشگاه از روشها و الگوهای مطلوب تدریس ، مطالعه یافته های پژوهشی مرتبط با حوزه تدریس و استفاده از روش های موثر و کارآمد تدریس به اقتضای موضوعات درسی و شرایط یاددهی- یادگیری توسط معلمان و استادان دانشگاه، می باشد.

امروزه معلمان و استادان دانشگاه باید با مطالعه نظریه ها و دیدگاه های نوین و فعال تدریس ، از به انحراف کشیده شدن اهداف آموزشی جلوگیری کرده و به تعالی کیفیت آموزشی بپردازند؛ چرا که بسیاری از معلمان و استادان، اعم از تازه کار، باتجربه، تنبل، سالخورده، جوان و غیره ، همچنان بدون آگاهی و استفاده از روشهای فعال تدریس و با استفاده از روشهای سنتی و غیرفعال تدریس کلاس های درس را اداره می کنند، در صورتی که نظریه های مربوط به تدریس، یادگیری و نظام های آموزشی، دائماً در حال توسعه و تکامل است و در عصر حاضر با دانش ها و مهارت های سنتی، نمی توان به

تحقق اهداف یادگیری مطلوب در فراگیران و تحقق اهداف نظام های آموزشی امیدوار بود.

بنابراین لزوم استفاده از روش های تدریس موثر، فعال و پویا در نظام های آموزشی امری حیاتی و اجتناب ناپذیر است. مطالعه و به کارگیری نحوه اجرای صحیح فعالیت های تدریس و یادگیری، از مباحث اساسی نظام های آموزشی محسوب می شود. استفاده از روش های تدریس اثربخش و کارآمد مستلزم آشنایی معلمان و استادان با الگوها و روش های تدریس متناسب با دروس و موضوعات مختلف می باشد که بتواند علاوه بر آموزش نظری، در صورت لزوم از طریق به کارگیری وسایل آموزشی و کمک آموزشی مناسب، به آموزش های عملی و در نهایت تحقق یادگیری مطلوب کمک شایانی داشته باشد.

تدریس یکی از عناصر تعیین کننده و بسیار مهم در نظام تعلیم و تربیت می باشد که چگونگی انجام آن می تواند زمینه ساز بسیاری از موفقیت ها و شکست های نظام های آموزشی باشد. در واقع بسترساز بسیاری از شکست و موفقیت های نظام های آموزشی، نحوه تدریس معلمان و استادان می باشد. در تایید اهمیت امر تدریس همین بس که برخی صاحب نظران، تدریس را معادل آموزش و پرورش به کار می برند. با نظر به اهمیت فوق العاده امر تدریس در نظام های تعلیم و تربیت، دیدگاه ها، تعاریف، الگوها، طبقه بندی ها و روشهای متعددی از تدریس به وسیله صاحب نظران ارائه گردید که متعاقب آن پژوهش های بسیار زیادی در ارتباط با تدریس در داخل و خارج کشور انجام شده است. در این میان آنچه بسیار مهم جلوه می نماید این است که تکرر و تعدد تعاریف، دیدگاه ها، الگوها و روش های ارائه شده توسط صاحب نظران حوزه تدریس، موجب مستغرق شدن اندیشمندان و محققان این حوزه در منازعات و مجادلات نظری و مفهومی شده که این امر گویای عدم هماهنگی، انسجام و وحدت نظر در حوزه تدریس می باشد.

با عنایت آنچه ذکر شد، لازم است در ارتباط با جمع بندی و سازماندهی تعاریف، دیدگاه ها، الگوها، روشهای تدریس ارائه شده، ارتباط متغیرهای مختلف با تدریس و همچنین پژوهش های انجام شده در ارتباط با تدریس، تاملی جدی صورت گیرد تا هم دست

اندرکاران و ذینفعان حوزه تدریس به درک واحد و هماهنگی از تدریس و عوامل مرتبط با آن دست یابند و هم زمینه ای برای پژوهشگران فراهم شود که بتوانند به انجام تحقیقات نظری و عملی موثر و مورد نیاز در حوزه تدریس بپردازند، تالیف حاضر گامی در این راستا می باشد. همچنین امید است چاپ این اثر گامی کوچکی در راستای آگاهی و توانمندسازی دانشجویان، محققان، معلمان و استادان گرانقدر در حوزه تدریس باشد.



# فصل اول :

## مبانی و کلیات تدریس

---

### مقدمه

تدریس از جمله فعالیت هایی است که صاحب نظران در تعریف و چستی آن اتفاق نظر ندارند، و البته هر یک از آنان در تبیین نظر خود از تدریس، دلایلی را عرضه می کنند (صفوی، ۱۳۶۹، شریعتمداری، ۱۳۷۴، کاظمی، ۱۳۷۴، جویس<sup>۱</sup> و ویل<sup>۲</sup>، ۱۹۸۶، زاهوریک<sup>۳</sup>، ۱۹۷۸، لاوزون<sup>۴</sup>، ۱۹۹۳، به نقل از موسی پور، ۱۳۷۵). بعضی تدریس را علم<sup>۵</sup> و بعضی هنر<sup>۶</sup>، بعضی از اندیشمندان تربیتی آن را در ارتباط با یادگیری و برعکس، برخی دیگر آن را جدای از یادگیری می دانند. بنابراین تدریس از جمله مفاهیمی است که بیشتر با فلسفه ی تربیتی عجین شده است و مربیان، فیلسوفان و محققان تربیتی و هر کدام با توجه به اصول، اهداف و معرفت شناسی خود، تعریفی از آن ارائه داده اند. تعدد

- 
- 1- Bruce r.joce
  - 2- Marshal weil
  - 3- zahorik
  - 4- lavson
  - 5- Science
  - 6- art

تعاریف تدریس حاکی از تلاش چشمگیر صاحب نظران برای شناخت آن است، شاید بتوان گفت حاصل تامل ده ها متفکر در این باره آن بوده است که گفتگوی تعریف واحد کمتر مورد تاکید باشد. از طرفی تفاوت در عرصه نظری (مفهوم پردازی) منجر به تفاوت در عرصه عملی (معلمی کردن) می شود (موسی پور، ۱۳۸۳). پذیرش تفاوت های نظری کم و بیش تفاوت عملی را در پی داشته است و به همیت دلیل برخی صاحب نظران از انواع تدریس های خوب سخن به میان آوردند (هلینگ<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸).

### نگاه صاحب نظران و مفهوم تدریس

با توجه با تعدد و کثرت تعاریفی که از تدریس توسط صاحب نظران ارایه شده است، نمی توان به ارایه یک تعریف واحد از تدریس بپردازیم، اما مروری بر تعاریف ارایه شده فوق الذکر در رابطه با تدریس از منظر صاحب نظران، نشان می دهد که در مجموع سه نگرش کلی در ارتباط با تدریس وجود دارد که در اینجا نگرش های مورد نظر و تعاریف مرتبط با هریک از نگرش ها که توسط صاحب نظران و نظریه پردازان حوزه تدریس ارائه شده است، دسته بندی و تشریح می شود.

#### ۱- نگرشی که هدف و قصد برای یادگیری را مورد توجه قرار می دهد:

این نگرش تدریس را فرایندی در نظر می گیرد که تمام فعالیت های آن در راستای هدایت فراگیران به سمت یادگیری است، در واقع این نگرش هدف گرا است و به هدف و قصد تدریس که یادگیری می باشد توجه می کند. برخی از مهم ترین تعاریف های ارایه شده از تدریس با نگرش هدف گرا عبارتند از:

براون واتکینز<sup>۲</sup> معتقد است تدریس عبارت است از فراهم سازی فرصت هایی برای یادگیری دانش آموز و فرآیندی تعاملی و فعالیتی تعمیدی است (به نقل از صادقی، ۱۳۸۹).

« به مجموعه تدابیر منظمی که معلم برای رسیدن به هدف، با توجه به شرایط و امکانات، اتخاذ می کند، روش تدریس می گویند » (شعبانی، ۱۳۸۲).

1- helling

2- Brown & Atkins

روش های تدریس، شیوه کار معلم را در کلاس شکل می دهند و فرصت های مناسب را برای یادگیری دانش آموزان فراهم می کنند (آقازاده، ۱۳۸۴).

مهرمحمدی (۱۳۷۴) به نقل از گیج . ان . ال تدریس را هرگونه فعالیتی می داند که از جانب یک فرد به منظور تسهیل یادگیری فرد دیگری انجام می پذیرد تا یادگیرنده را با زوایای بیشتری از ناشناخته آشنا کند.

تدریس عبارت است از ارائه کمک صحیح در فرآیند یادگیری. بدین ترتیب تدریس شکل خاصی از آموزش است که همواره به انجام صحیح فرآیند یادگیری می اندیشد (میرلوحی، ۱۳۸۲).

«لانجرن»<sup>۱</sup> تدریس را فرآیند پیچیده و از قبل برنامه ریزی شده ای می داند که توسط معلم در کلاس درس اجرا می شود و هدف عمده اش ایجاد درگیری و تعامل ذهنی یادگیرنده با مطالب یادگرفتنی است (صادقی، ۱۳۸۹).

اسمیت<sup>۲</sup> (۱۹۸۸) تدریس را فرآیندی از اعمال می داند که در تهییج یادگیری صورت می پذیرد.

## ۲- نگرشی که موفقیت در یادگیری را مورد توجه قرار می دهد

طرفداران این نگرش معتقدند تدریس اقدام یا اقداماتی است که باعث می شود در فراگیر یادگیری به وقوع بپیوندد. این نگرش تدریس را فرایندی در نظر می گیرد که مهمترین خاصیت آن ایجاد یادگیری در یادگیرنده می باشد، در واقع این نگرش نتیجه گرا است و به موفقیت عمل تدریس که وقوع و ایجاد یادگیری در فراگیر می باشد توجه می کند. برخی از مهم ترین تعریف های آرایه شده از تدریس با نگرش نتیجه گرا عبارتند از:

تدریس به معنای فعالیتی تعهد آور همراه با هدفی است که منجر به ایجاد یادگیری در فرد دیگری می شود (رابرتسون<sup>۳</sup>، ۱۹۸۷).

1- Lanjern

2- Smith

3- Robertson

تدریس نوعی فعالیت است، فعالیتی که آگاهانه و براساس هدف خاص انجام می گیرد و موجب تغییر رفتار در یادگیرنده می شود. برای انتقال اطلاعات، نیاز به روش مناسب داریم به گونه ای که روش فراینده تدریس را منسجم و هدف دار سازد. پس روش تدریس عبارت از راه تعلیم با قاعده و منطقی برای ارائه درس است (صفوی، ۱۳۷۵).

تدریس فرآیند کنش هدف دار براساس برنامه و با استفاده از روش ها و فنون مؤثر و نیز به کارگیری فناوری متناسب با محتوای یک موضوع درسی به منظور ایجاد یا تسهیل یادگیری در یادگیرندگان است (سیف، ۱۳۸۶).

آیزنر<sup>۱</sup> (۱۹۹۴) اظهار می دارد، تدریس زمانی صورت می گیرد که معلمان توسط حُلسن انجام فعالیت های آموزشی خود، موفق می شوند تا فراگیران، در کل یا در قسمتی از موضوع موردنظر، به یادگیری قادر شوند.

### ۳- نگرشی که تعامل بین مدرس و یادگیرنده را مورد توجه قرار می دهد

طرفداران این نگرش معتقدند تدریس به منزله تعاملی در نظر گرفته می شود که بین معلم و دانش آموز در کلاس درس، در جریان می باشد. این نگرش مهم ترین ویژگی تدریس را فعل و انفعال دوجانبه و کنش و واکنش بین مدرس و یادگیرنده در جهت نیل به یادگیری می داند. برخی از مهم ترین تعریف های ارایه شده از تدریس با این نگرش عبارتند از:

تدریس فعالیتی بین فردی است که در این فعالیت حداقل دو نفر این فعالیت دخیل هستند و زمانی تدریس انجام می پذیرد که معلم با یک یا تعدادی یادگیرنده در ارتباط متقابل باشد (بروور<sup>۲</sup>، دوژنج<sup>۳</sup> و استوت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۱).

تدریس عبارت است از تعامل یا رفتار متقابل معلم و شاگرد، بر اساس طراحی منظم و هدفدار معلم، برای ایجاد تغییر در رفتار شاگرد. (میرزا محمدی، ۱۳۸۳).

- 
- 1- Eisner
  - 2- Brower
  - 3- dejong
  - 4- stou

امیدون<sup>۱</sup> و هانترا<sup>۲</sup> (۱۹۶۷) تدریس را یک جریان تعامل می دانند که در شکل ابتدایی، گفتگوی کلاس درس را در بر می گیرد و بین معلم و شاگردان رخ می دهد و طی فعالیت های کاملاً تعریف شده به پیش می رود (موسی پور، ۱۳۸۳).

تدریس یک فعل و انفعال دوجانبه بین معلم و فراگیران است تا فراگیران را با محتوای درسی درگیر کند و با علاقه مندی و شور و شوق، مفاهیم جدید را از موضوعات ارائه شده استنباط نمایند و بدین وسیله زمینه تغییر در نگرش خود را فراهم نموده و ارزش های نوینی را خلق نمایند. در چنین حالتی ویژگی ها و رفتار معلم بر فعالیت و اعمال فراگیران تأثیر می گذارد و بالعکس معلم از ویژگی ها و رفتارهای فراگیران متأثر می شود. به هر حال فعالیت تدریس به منظور اطمینان یافتن از اثرگذاری محتوای برنامه درسی بر فراگیران انجام می گیرد و بیشتر فعالیت و تلاش فراگیران را می طلبد تا کوشش های ذهنی معلم در کلاس درس را. از طرفی فعالیت درسی بر پایه اصول نظام داری تدوین و سازماندهی می شود که بر عهده معلم است، براساس این طراحی معلم ساخته، هدایت فعالیت های تدریس جهت درگیر شدن فراگیر با موضوع درسی، وظیفه اصلی معلم در فرایند تدریس است (شعبانی، ۱۳۷۱).

فلندرز تدریس را یک فرآیند کنش و واکنش تعریف می کند که این کنش و واکنش بین معلم و دانش آموز جهت نیل به اهداف مطلوب صورت می گیرد و در نتیجه این کنش و واکنش، هم معلم و هم دانش آموز سود می برند (صادقی، ۱۳۸۹).

به عقیده شعبانی (۱۳۸۶) اگر فعالیت معلم در کلاس به صورت رفتار متقابل و براساس هدف خاصی صورت نگیرد و موجب ایجاد تغییر در رفتار شاگردان نشود، به هیچ عنوان تدریس به آن اطلاق نخواهد شد.

در مجموع می توان گفت هر یک از این نگرش های مطرح شده بر جنبه های خاصی از تدریس تأکید می کنند و بر اساس این جنبه ها به تعریف و تشریح تدریس می پردازند

---

1- omiduon

2- hunter

با توجه به اینکه امروزه بر اصل تعامل و مشارکت فراگیران در فرایند تدریس تأکید بسیار ی وجود دارد، نگرش سوم از طرفداران زیادی برخوردار است.

در جمع بندی این مبحث، تعریفی از تدریس ارائه می شود که در برگیرنده هر سه نگرش فوق می باشد و از جامعیت کامل تر برخوردار است:

تدریس مجموعه اقدامات از پیش طراحی شده، منظم و قابل انعطافی است که با تعامل و ارتباط متقابل بین یاد دهنده و یادگیرنده در جهت نیل به یادگیری انجام می شود و در نهایت منجر به وقوع و ایجاد یادگیری می شود.

### سازماندهی فعالیت های فرایند یاددهی و یادگیری

همانطور که شعبانی (۱۳۸۵) سیف (۱۳۸۶) و مهرداد (۱۳۸۲) گفته اند فرایند تدریس و یادگیری بر فعالیت هایی مبتنی است که صاحب نظران آنها را در سه طبقه کلی فعالیت های قبل از تدریس، فعالیت های ضمن تدریس و فعالیت های بعد از تدریس سازماندهی کرده اند و به منظور اثربخشی این فرایند بر انجام دقیق و درست هر کدام از فعالیت ها تأکید بسیار دارند. در اینجا به بررسی فعالیت های سه گانه قبل، ضمن و بعد از تدریس می پردازیم.

**الف) فعالیت های قبل از تدریس:** از آنجا که این فعالیت ها بیشتر کاربردی هستند و نشان دهنده چگونگی انجام عمل با صراحت، ظرافت و دقت هرچه بیشتر به وسیله معلم می باشند، به مهارت های قبل از تدریس هم معروف اند. فعالیت هایی که در این مرحله باید به وسیله معلم سازمان داده شوند شامل هدف گذاری، طبقه بندی و تحلیل این اهداف در حیطه های یادگیری، تحلیل آموزشی، تعیین محتوا، روش و وسیله و در نهایت تحلیل نظام ارزشیابی و کاربرد طراحی آموزشی است. همان طوری که ملاحظه می شود عمده ترین مؤلفه در این قسمت، هدف و چگونگی تحقق بخشیدن به آن است. بدیهی است اگر هدف های مورد نظر در اینجا به درستی و صراحت تحلیل و اولویت بندی نشوند، امکان حرکت و فعالیت درست و در نهایت تحقق هدف های آموزشی غیرممکن خواهد بود. از طرفی بی توجه به هدف، مبنای معتبری برای طراحی و انتخاب مواد و

وسایل، محتوا و روش های آموزشی در دسترس معلم نخواهد بود. از این جهت، عنایت به این مهارت ها و فعالیت ها و سازمان دادن آنها به وسیله معلم موجب معنادار بودن تدریس او و سهولت امر یادگیری در دانش آموزان خواهد شد.

**ب) فعالیت های ضمن تدریس:** این فعالیت ها و مهارت ها شامل الگوها، روش ها، فنون و راهبردهای تدریس اند. هرکدام از این مفاهیم جایگاه خاصی در فرایند یاددهی یادگیری داشته و آگاهی معلم از آنها کاملاً لازم و ضروری است. در به کارگیری مهارت های ضمن تدریس، دانش آموز و ویژگی های او محور اصلی تعیین روش تدریس معلم است و امروزه عدالت آموزشی حکم می کند که به سمت روش های آموزشی انفرادی پیش برویم، یعنی آموزش بر اساس توانایی های فراگیران. بدین منظور، انفرادی کردن آموزش از پدیده های مهم سال های اخیر نظام های آموزشی دنیاست و بر پیشرفت براساس توان فردی، یادگیری در حد تسلط، تدریس خصوصی، راهنمایی و به کارگیری تکنیک ها و روش های مکمل همراه با آموزش سنتی استوار است. پرواضح است که بی توجهی به نیازها و علایق دانش آموزان و تمرکز بر روش های سنتی آموزش در فرایند یاددهی یادگیری، زمینه از بین رفتن انگیزه به تحصیل و حضور جدی در کلاس درس و لطمه خوردن ارتباط معلم و دانش آموز را به وجود می آورد و از طرفی، به دلیل ارتباط تصنعی مفاهیم آموزشی با شرایط واقعی زندگی، فارغ التحصیلان با نیازهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه بیگانه بار خواهند آمد.

**ج) فعالیت های بعد از تدریس:** این مهارت ها شامل فرایند بسیار مهم ارزشیابی در قالب مفاهیم امتحان، اندازه گیری، آزمون و انواع ارزشیابی و روش های مختلف ارزشیابی است. ضرورت ارزشیابی از دید معلم این است که اطلاعات بسیار ارزشمندی را در رابطه با آمادگی و پیشرفت تحصیلی فراگیران و بازده های کلاس درس در اختیار او قرار می دهد، که بر این اساس می تواند در طرح آموزشی خویش تجدید نظر و اصلاح لازم را به عمل آورد و دانش آموزان هم بدین وسیله در جریان چگونگی یادگیری خویش قرار می گیرند و هم ضمن کسب انگیزه لازم به تحصیل، به جنبه های مثبت و منفی

خود در یادگیری آگاه خواهند شد، و در نهایت زمینه خودشناسی که از اهداف مهم تعلیم و تربیت است در آنها فراهم خواهد گردید (مهرداد، ۱۳۸۲).

## عوامل مؤثر بر تدریس

شعبانی (۱۳۸۲) عوامل مهم و مؤثر در تدریس را عبارت از موارد زیر می داند:

### ۱- ویژگی های شخصیتی و علمی معلم

اساسی ترین عامل برای ایجاد موقعیت مطلوب در تحقق هدف های آموزشی، معلم است. اوست که حتی می تواند نقص کتاب های درسی و کمبود امکانات آموزشی را جبران کند یا برعکس، بهترین موقعیت و موضوع تدریس را با عدم توانایی در ایجاد ارتباط عاطفی مطلوب به محیطی غیر فعال و غیر جذاب تبدیل کند. در فرایند تدریس، تنها تجارب و دیدگاه های علمی معلم نیست که مؤثر واقع می شود، بلکه کل شخصیت اوست که در ایجاد شرایط یادگیری و تغییر و تحول شاگرد تأثیر می گذارد.

در فرایند تدریس، رفتار و کردار معلم از اهمیت خاصی برخوردار است. برای شاگردان، رفتار و عمل معلم معیار مناسبی برای ارزشیابی مطالب، گفته ها، وصایا و رهنمودهای اوست. بنابر این، معلم باید در رفتار و اعمالش آنقدر بزرگوار باشد که نمونه و الگوی شاگردانش قرارگیرد. شاگردانش را آزاده بار بیاورد و به آنان بیاموزد که انسانیت قابل تحقق است و خود نیز نمونه ی تحقق یافته ای از انسانیت باشد. معلم هر اندازه دارای رفتار انسانی مطلوبی باشد ولی از نظر علمی ضعیف و ناتوان تلقی شود، مورد قبول شاگردان واقع نخواهد شد. شخصیت متعادل همراه با تسلط علمی ضعیف و ناتوان تلقی شود، مورد قبول شاگردان واقع نخواهد شد. شخصیت متعادل همراه با تسلط علمی معلم، او را از نظر شاگردانش با ارزش و اعتبار می سازد. معلمی از نظر علمی قوی است که به روش های ارائه محتوا و چگونگی برقراری ارتباط، آگاه و بر آنها مسلط باشد. معلم باید از نظریه های جدید ارتباطی از دانش های جدید روانشناسی و علوم رفتاری، به ویژه روانشناسی تدریس و یادگیری، آگاهی کافی داشته باشد.

روش تدریس<sup>۱</sup> باید متناسب با اصول آموزش و پرورش و خصوصیات شاگردان انتخاب شود؛ زیرا وظیفه اساسی معلم فقط درس دادن و پس گرفتن درس نیست، بلکه مهم ترین وظیفه او همکاری و راهنمایی یکایک شاگردان برای رسیدن به هدف های مطلوب تعلیم و تربیت است.

## ۲- ویژگی های شاگردان و تأثیر آن در فرایند تدریس

آگاهی از فرایند های شناختی شاگردان در سنین مختلف از ضروری ترین وظایف معلم است؛ زیرا فرایند رشد شاگرد، علایق، میزان انگیزش، بلوغ عاطفی، سوابق اجتماعی و تجارب گذشته از عواملی هستند که همواره در روش کار معلم در کلاس درس اثر می گذارند. شاگردان صفات زیادی مانند راستگویی، دروغگویی، شهامت، ترس، پرخاشگری، تلاش و بسیاری از صفات مطلوب و نامطلوب را باخود از خانواده به درون مدرسه می آورند. اگر معلمی تصور کند بدون شناخت شاگردان و بدون آگاهی از فرایند رشد ذهنی و اجتماعی آنان و حتی بدون همکاری والدین می تواند در ادای وظایف آموزشی موفق باشد، سخت در اشتباه است.

معلم نمی تواند بدون توجه به ویژگی های شاگردان، آنان را به کار کردن وادارد و به عبارت دیگر، کار را بر آنان تحمیل کند؛ زیرا فعالیت های عقلی، اخلاقی و اجتماعی شاگرد تابع اراده ی معلم نیست. تدریس معلم باید براساس نیاز، علاقه و توانایی های ذهنی شاگردان تنظیم شود.

## ۳- تأثیر برنامه و ساخت نظام آموزشی در فرایند تدریس

ساخت نظام آموزشی هر جامعه، اعم از نگرش ها، باورها، برنامه ها و آیین نامه ها، می تواند روش تدریس معلم را تحت تأثیر قرار دهد. آیین نامه های خشک و انعطاف پذیر، تصمیم گیری های غیر تخصصی در پشت درهای بسته، گزینش معلم، عدم توجه نظام آموزشی به نیازهای شاگردان و جامعه، اصالت دادن نظام به محتوا و برنامه ها به جای

رشد و تحول همه جانبه، عدم نظارت و کنترل سالم، ارزشیابی های اصولی و غیر اصولی، همه و همه می توانند فعالیت های مدرسه، از جمله تدریس معلم را تحت تأثیر قرار دهند.

#### ۴- تأثیر فضا و تجهیزات آموزشی در فرایند تدریس

معلم خوب در شرایط محدود نیز می تواند مؤثر واقع شود. اما شکی نیست که فضا و تجهیزات آموزشی مناسب در کیفیت تدریس معلم بسیار مؤثر است. کثرت شاگردان، نداشتن میز و نیمکت، کیفیت نامطلوب تخته گچی، عدم نور کافی، کلاس های سرد و تاریک با پنجره های مشرف به خیابان، غیر بهداشتی بودن کلاس، نداشتن زمین بازی، کتابخانه، نمازخانه، آزمایشگاه و صدها امکانات دیگر می توانند روش تدریس معلم را تحت تأثیر قرار دهند (شعبانی، ۱۳۸۲).

#### رابطه تدریس<sup>۱</sup> و یادگیری<sup>۲</sup>

بحث لزوم یا عدم لزوم ارتباط بین تدریس و یادگیری، بحث بسیار مهمی است که دیدگاه های مختلفی در این رابطه وجود دارد، در اینجا به سه دیدگاه کلی در زمینه رابطه تدریس و یادگیری، پرداخته می شود.

#### ۱) عدم وجود رابطه ضروری میان یاددهی و یادگیری

برخی از محققان ضرورتی در ارتباط بین یاددهی و یادگیری نمی بینند و تدریس و یادگیری را از هم تفکیک می کنند. بی. اوتانل اسمیت<sup>۳</sup> یادگیری را نتیجه ضروری تدریس تلقی نمی کند و بر این باور است که تدریس در کلی ترین مفهوم خود بر اعمالی دلالت دارد که فرد با اتکا به آن قصد دارد نحوه انجام برخی کارها را به شخصی دیگر نشان دهد یا در مورد برخی امور اطلاعاتی را در اختیار او قرار دهد. بنابراین تعریف تدریس بیشتر بر آنچه معلم انجام می دهد دلالت دارد تا رفتار دانش آموز و یا آنچه در

1- Teaching

2- Learning

3- B.Othail Smith.

او به عنوان نتیجه آموزش به وقوع می پیوندد. با این تعبیر نمی توان گفت که چنانچه دانش آموز یاد نگرفت، معلم تدریس نکرده است، زیرا یادگیری به عنوان ویژگی تدریس تصریح نشده است (شعبانی ورکی، ۱۳۷۸).

اچ. اس. برودی<sup>۱</sup> معتقد است که تدریس می تواند بدون یادگیری تحقق پیدا کند و خاطر نشان می کند که معلمانی به بهترین وجهی تدریس می کنند با وجود این، دانش آموزان آنها در یادگیری کامیاب نیستند (همان). فنستر ماخر<sup>۲</sup> از فیلسوفان معاصر تعلیم و تربیت نیز وجود رابطه میان یاددهی و یادگیری را نفی کرده و آنرا معلول خلط منطقی میان مفهوم تدریس به معنای عام آن از یک سو و تدریس موفق یا تدریس اثر بخش از سوی دیگر می داند. او معتقد است انجام فعالیت هایی که در اقدام به تدریس توسط معلم موضوعیت دارند، به هیچ روی نمی تواند علت تامه وقوع یادگیری قلمداد شود (مهرمحمدی، ۱۳۸۵).

پائول هرست<sup>۳</sup> معتقد است؛ قطعاً تدریس متوقف بر یادگیری یا متضمن آن نیست اما از آنجا که ضرورتاً معطوف به قصد و اراده آموختن چیزی به دیگران است، چنان چه فعالیت های فرد هرگز نتواند نتایج قصد شده یادگیری را برای مخاطبان به دنبال داشت باشد، توصیف این فعالیت ها به عنوان تدریس، بسیار غریب و غیر معقول به نظر می رسد. صاحب نظر دیگری به نام اسرافیل شفلر<sup>۴</sup> نیز از اندیشه عدم برقراری رابطه ضروری میان یاددهی و یادگیری حمایت کرده است (همان).

## ۲) وجود رابطه ضروری میان یاددهی و یادگیری

برخی از محققان بر ضرورت ارتباط بین یاددهی و یادگیری تاکید می کنند و بر این باورند تدریس بدون یادگیری ممکن نیست. جان دیویی را می توان جزو نخستین کسانی دانست که رابطه بین یاددهی و یادگیری را به صورت لازم و ملزوم تبیین کرده است و

1- H.S.Broudy.

2- Makher

3- Herest

4- Scheffler

معتقد است تا زمانی که یادگیری محقق نشده باشد نمیتوان گفت یاددهی یا تدریس اتفاق افتاده است (مهرمحمدی، ۱۳۸۵). میشل اکشوت<sup>۱</sup> معتقد است که تدریس فعالیتی است که در آن شخص یادگرفته (معلم) به شاگرد خود چیزهایی می آموزد و اضافه می کند که من منظورم این است که تمام یادگیری با تدریس تحقق پیدا می کند (شعبانی، ۱۳۷۸). در دهه های اخیر، از جمله ی معتبرترین چهره هایی که به حمایت از این دیدگاه هرچند به شکل تلویحی پرداخته اند، مؤلفان کتاب «الگوهای تدریس» بروس جویس و مارشا ویل، بودند که اعلام می دارند «الگوهای تدریس در واقع الگوهای یادگیری نیز هستند» (مهرمحمدی، ۱۳۸۵).

ماهیت تدریس و رابطه آن با یادگیری در ارتباط با ماهیت تدریس و یادگیری، دو دیدگاه وجود دارد که نخستین دیدگاه به نفی ضرورت وجود رابطه میان یاددهی و یادگیری می پردازد. فنستر ماخر از فیلسوفان معاصر تعلیم و تربیت، به شرح و بسط موضع خود در این زمینه اهتمام ورزیده است. او را می توان به عنوان یکی از سخن گویان برجسته و امروزی این دیدگاه قلمداد کرد. وی ضرورت وجود رابطه میان یاددهی و یادگیری را نفی می کند و آن را معلول خط منطقی میان مفهوم تدریس به معنای عام آن از یک سو و «تدریس موفق» یا «تدریس اثربخش» از سوی دیگر می داند. به عبارت دیگر وی ضروری بودن وجود رابطه ی منطقی یا لازم و ملزومی میان یاددهی و یادگیری را زاییده ی تصور ناصحیح از فعل و انفعال هایی می داند که در یک تحلیل منطقی می توان به قلمرو تدریس نسبت داد. او با ارائه ی تحلیلی از فعالیت های منتسب به حوزه ی عام تدریس، موضع خود را مبنی بر این که انجام این اقدامات توسط معلم ممکن است به یادگیری منطقی دانش آموزان منتهی نشود مدلل می سازد. کوتاه سخن این که «به نظر پیروان این دیدگاه، تا تدریس در کار نباشد از یادگیری خبری نیست. لیکن اهتمام به انجام فعالیت های موضوع تدریس، شرط لازم و کافی برای تحقق یادگیری محسوب نمی شود» (همان).

1- Michael Oakeshott.